

نقد و بررسی سرفصل‌های «کارگاه فرهنگ‌نویسی» و ارائه طرح تدریس و تنظیم درس‌نامه آن

مرضیه مسیحی پور*

ندا حیدرپور**

چکیده

شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی برای تغییر در برنامه‌های رشته زبان و ادبیات فارسی، مهارت‌هایی از قبیل فرهنگ‌نویسی را جزو برنامه‌های مصوب قرار داده و سرفصل‌ها و منابعی را برای آن ذکر کرده است. نویسندگان این گفتار ضمن پذیرفتن این ضرورت و تأکید بر لزوم آموزش چنین مهارتی، به نقد این سرفصل‌ها و منابع می‌پردازند و پس از توصیف کلی از این فن و دانش‌های پیش‌نیاز آن، پیشنهادهایی را برای بهتر شدن کیفیت آن ارائه می‌دهند. در این مقاله ضمن بررسی اجزاء مندرج در سرفصل مصوب «کارگاه فرهنگ‌نویسی» و بیان کاستی‌های آن، درس‌نامه‌ای مناسب تهیه شده و سپس تمرینات گروهی و کارگروهی ارائه شده است. همچنین براساس دو شیوه مرسوم فرهنگ‌نویسی در بخش فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی و نیز مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، دو روش برای تمرین و به کارگیری آموخته‌های دانشجویان پیشنهاد شده است به این امید که سبب بهتر شدن کیفیت آموزش زبان فارسی شود.

واژگان کلیدی

طرح تدریس، درس‌نامه، زبان و ادبیات فارسی، نقد سرفصل، کارگاه فرهنگ‌نویسی.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی و پژوهشگر مؤسسه لغت‌نامه دهخدا
(mmasihpoor@yahoo.com)

** دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی و پژوهشگر مؤسسه لغت‌نامه دهخدا (n.heidarpour@ut.ac.ir)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۲۰

پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۳۶، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۴۸-۶۶

مقدمه

شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی در هشتصدمین جلسه خود در مورخ ۹۱/۴/۴ برنامه جدید آموزشی دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را تصویب کرد (کمیته زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۹۱: ۲). این برنامه با هدف بازنگری کامل و روزآمد کردن سرفصل‌های درسی و با نیز کاربردی ساختن آموخته‌های فارغ‌التحصیلان این رشته، تغییری بنیادین و مهم در ساختار آموزشی آموزش عالی کشور به‌شمار می‌آید. در سند منتشرشده وزارت علوم در این باره چنین آمده است (کمیته زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۹۱: ۴):

برای تحقق این هدف ضروری است عوامل مختلفی در یک مجموعه منسجم گرد هم آید تا امکانات و شرایط لازم را برای تحقق این هدف فراهم سازد. یکی از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار در تحقق این هدف، برنامه درسی است ... برای اینکه یک برنامه درسی بتواند این نقش مهم را ایفا کند، ضروری است بر اساس اصول و شاخص‌های برنامه‌ریزی درسی تدوین شود. روزآمدی، پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه، فراهم کردن زمینه بروز و ظهور خلاقیت‌ها، متناسب بودن اجزای برنامه، هماهنگی با سندها و برنامه‌های راهبردی و توجه به ماهیت واقعی آن رشته از جمله شاخص‌هایی است که در تدوین برنامه درسی باید به آن‌ها توجه شود.

مطابق برنامه جدید، دانشجویان دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی در هشت نیمسال تحصیلی در مجموع ۱۳۶ واحد درسی را می‌گذرانند که ۱۸ واحد دروس عمومی و باقی‌مانده آن دروس مرتبط با رشته ادبیات فارسی بدین شرح‌اند: دروس پایه الزامی ۱۶ واحد، دروس اصلی الزامی ۶۴ واحد، دروس تخصصی ۱۶ واحد و دروس اختیاری ۲۲ واحد (کمیته زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۹۱: ۵). دروس اختیاری به سه زمینه مهارت‌های ادبی، فنون ادبی و متون ادبی تقسیم شده‌اند که دانشجویان با نظر گروه آموزشی یکی از این سه زمینه را انتخاب می‌کند و می‌گذرانند. یکی از سه زمینه تعریف شده، مهارت‌های ادبی است (شامل درس‌هایی چون کارگاه شعر، کارگاه داستان‌نویسی، کارگاه مقاله‌نویسی، کارگاه فرهنگ‌نویسی و غیره) که هر دانشجویی در صورت تمایل باید از این گروه، هشت واحد را انتخاب کند (برای مشاهده فهرست دیگر دروس زمینه مهارت‌های ادبی، نک: کمیته زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۹۱: ۲۲). یکی از درس‌های جدیدی که مطابق این برنامه، شاهد تدریس آن در دانشگاه‌های کشور خواهیم بود، درس «کارگاه فرهنگ‌نویسی» است که مانند هر کارگاه دیگری بر اساس گفت‌وگو، مشارکت گروهی و آموزش‌های عملی است و هدفش این است که مهارتی را به دانشجویان بیاموزد و آنان را آماده ورود به مراکز

فرهنگ‌نویسی کند. در این مسیر، نخست اطلاعات قبلی دانشجویان، علایق و انگیزه‌هایشان بررسی می‌شود و سپس کلاس با برنامه‌های ازپیش‌تعیین‌شده و تمرین‌پیش‌می‌رود. در پایان این واحد درسی، کارآموز باید بتواند یک مدخل کامل را تألیف کند.

گنجاندن درس «کارگاه فرهنگ‌نویسی» نشان‌دهنده آشنایی نسبی طراحان برنامه جدید رشته زبان و ادبیات فارسی با نیازهای جامعه علمی و پژوهشی مرتبط با دانش‌آموختگان این رشته است؛ زیرا امروزه مراکز دولتی و مؤسسات خصوصی محدودی هستند که به فن فرهنگ‌نگاری به شکل علمی آن می‌پردازند. کمبود نیروی متخصص و آشنا به این فن باعث کاهش بازدهی و نیز کمبودی فعالیت این مراکز شده است.

فرهنگ‌نویسی در کشورهای پیشرفته فرایندی مستمر بوده که از ده‌ها و بلکه صدها سال پیش آغاز گشته است؛ مثلاً در کشور فرانسه، در اواسط قرن نوزدهم میلادی، پیر لاروس فرهنگی را بنیاد نهاد که تا امروز پیوسته به حیات خود ادامه داده و همواره در مسیر پیشرفت بوده و همگام با تغییرات متحول گشته است؛ اما متأسفانه سنت فرهنگ‌نویسی در ایران به هیچ‌روی چنین استمرار و تحولی نداشته است (خطیبی، ۱۳۸۶: ۵).

رندولف کوئرک درباره اهمیت تدریس فرهنگ‌نویسی در دانشگاه‌ها می‌گوید: «شاید تنها وقتی به دستاوردهای واقعاً نوی نائل می‌آییم که دانشگاه‌های ما علاقه بیشتری به واژگان‌شناسی نشان دهند، تحقیقاتی جدی درباره آن انجام دهند و اصول قابل تدریسی را در مورد نظریه واژگان‌شناسی ارائه کنند» (هاشمی میناباد، ۱۳۸۶: ۱).

از دیرباز تا کنون به فرهنگ‌نویسی به مثابه یک علم، فن و هنر توجه شده است و امروزه نیز با شتاب بیشتری پیش می‌رود. گذر زمان، تغییر جوامع از جنبه‌های گوناگون و پیشرفت روزافزون علوم، واژگان هر زبان را دچار تغییر و تحول می‌کند. ما با لغت‌های بسیاری روبه‌رو هستیم؛ ولی با توجه به گستردگی دامنه واژگان زبان، هر فرهنگ لغت تنها بخشی از واژه‌ها را دربرمی‌گیرد. در این میان، ناگزیر نگارش فرهنگ‌های تخصصی نیز رواج بسیاری می‌یابد.

فرهنگ‌نویسی در زبان‌های هندوایرانی و ایرانی باستان سابقه طولانی دارد. از زبان کاسی و میتانی - که از زبان‌های هندوایرانی هستند - و نیز از زبان‌های خوارزمی، بلخی ختنی و سغدی - که از زبان‌های ایرانی دوره میانه‌اند - واژه‌نامه‌هایی باقی مانده است (بختیاری، ۱۳۸۰: ۱۹-۲۶). کهن‌ترین فرهنگ‌های موجود از زبان‌های ایرانی کهن دو فرهنگ *اوئیم/یوک* و دیگری فرهنگ *مناختای* معروف به *فرهنگ پهلوی* است که طبق قرائنی هر دو کتاب در دوره ساسانی یا عصری نزدیک به آن دوره تألیف شده‌اند (تفضلی،

۱۳۷۸: ۳۲۱-۳۲۴). فرهنگ‌نگاری در ایران بعد از اسلام شکوفا شد. آغاز فرهنگ‌نویسی برای زبان فارسی کنونی تقریباً معاصر با فرهنگ‌نویسی ایرانیان برای زبان عربی بوده است (تبریزی، ۱۳۶۱: شصت و هفت). با این همه، «فرهنگ‌نگاری در ایران به خاطر اهداف دینی رشد کرد. فرهنگ‌ها به منظور توضیح و تشریح واژه‌های مشکل، نوادر قرآن، حدیث و نیز کمک به یادگیری زبان عربی تدوین می‌شدند» (هاشمی میناباد، ۱۳۸۶: ۵۲). قدیم‌ترین فرهنگی که تا امروز از زبان فارسی به ما رسیده، لغت‌نامه‌ اسدی طوسی (سراینده‌ گرشاسب‌نامه) معروف به فرهنگ اسدی یا لغت فرس اسدی است.

ظاهراً پس از تألیف لغت‌نامه‌ اسدی تا مدت‌های زیادی در ایران دیگر کتابی نظیر آن تألیف نشده و همین کتاب مرجع بوده است. گویا پس از فرهنگ اسدی تنها در قرن نهم در هندوستان بار دیگر این کار انجام شد؛ زیرا در قرن نهم هر روز بر عده سلسله‌های پادشاهان مسلمان و فارسی‌زبان در هند افزوده می‌شد ... از کتاب‌های لغت که در هند تألیف شده، ظاهراً نخست *د/ة/الفضلاء* تألیف قاضی‌خان بدرمحمد دهلوی است ... که در سال ۸۲۲ به پایان رسیده ... پس از آن عده‌ای بسیار از این‌گونه کتاب‌های لغت در هندوستان تألیف کرده‌اند ... در ایران گویا پس از اینکه قرن‌ها دنباله این کار را رها کرده‌اند، تنها در نیمه اول قرن سیزدهم و آن هم به تقلید از دانشمندان هند، باز کتاب‌هایی در لغت فارسی تألیف کرده‌اند (تبریزی، ۱۳۶۱: هفتادویک).

امروزه این حقیقت را دریافته‌ایم که برای توانا تر شدن در این عرصه باید اصولی را رعایت کنیم؛ اصولی که بیشتر آن را علم زبان‌شناسی در اختیار ما قرار می‌دهد.

در فرهنگ‌نویسی نوین علم زبان‌شناسی به قدری کاربرد دارد و چنان با تاروپود آن عجین شده است که امروزه در سراسر دنیا فرهنگ‌های معتبر با استفاده از روش‌ها و دستاوردهای این علم تدوین می‌شوند و به هیچ روی نمی‌توان تدوین فرهنگ را بدون استفاده از علم زبان‌شناسی تصور نمود. اما علی‌رغم تمامی این فواید و کاربردها، متأسفانه علم زبان‌شناسی در ایران هنوز جایگاه درخور خود را نیافته است و فضای مناسب برای استفاده‌های عملی از آن به خصوص در زمینه فرهنگ‌نویسی فراهم نشده است (قطره، ۱۳۸۶: ۶۹-۷۰).

روند پرشتاب تحولات علمی ایجاب می‌کند که فرهنگ‌های امروزی با معیارهای علمی و زبان‌شناسانه تدوین شوند. غنای بیشتر فرهنگ و فرهنگ‌نویسی سبب گسترش و نفوذ و قوام یافتن زبان فارسی چه در داخل مرزهای ایران و چه در خارج از آن خواهد شد. حال با ورود «فرهنگ‌نویسی» به محیط‌های دانشگاهی به‌مثابه یک درس و آموزش و پرورش دانشجویان علاقه‌مند، می‌توان امیدوار بود با ورود این دانشجویان به مراکز

فرهنگ‌نویسی، شاهد رونق گرفتن آن و نیز افزایش سرعت تدوین فرهنگ‌های در دست تألیف باشیم.

پیشینه تحقیق

تا پیش از تألیف لغت‌نامه دهخدا، جز مباحثی بسیار کوتاه و تکراری در مقدمه فرهنگ‌های تألیف‌شده پیش از قرن چهاردهم، تحقیق مدون و کاملی درباره فرهنگ، ملزومات فرهنگ‌نویسی و نقد آن در زبان فارسی نوشته نشد. پس از تألیف لغت‌نامه دهخدا، مجموعه‌ای از مقالات استادان ادبیات در شاخه‌های مختلف دستور، نقد فرهنگ‌های پیشینان، بررسی زبان‌های ایرانی، مباحث دستوری، رابطه لفظ و معنا و غیره در مجلدی جداگانه به نام مقدمه لغت‌نامه به چاپ رسید (نک: دهخدا و دیگران، ۱۳۷۷: مقدمه). پس از چاپ لغت‌نامه دهخدا، تعداد اندکی از صاحب‌نظران در مقالاتی به نقد این اثر پرداختند. با این همه، مطالعات فرهنگ‌نویسی در ایران پس از تشکیل گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان و انتشار ویژه‌نامه فرهنگ‌نویسی از سال ۱۳۸۶ زیر نظر این مرکز رواج یافت. با انتشار ویژه‌نامه فرهنگ‌نویسی، مقالات فراوانی درباره مسائل نظری فرهنگ‌نویسی، نقد فرهنگ‌های موجود و نیز پژوهش‌های لغوی نگاشته شد؛ اما درباره اصلی‌ترین مباحث مقاله حاضر - طرح درس‌نامه کارگاه فرهنگ‌نویسی و همچنین نقد سرفصل‌های مصوب وزارت علوم - هیچ پژوهشی منتشر نشده است.

هدف تحقیق

در این مقاله نگارندگان قصد دارند ضمن بررسی اجزاء مختلف مندرج در سرفصل مصوب «کارگاه فرهنگ‌نویسی» و بیان کاستی‌های آن، طرح تدوین درس‌نامه‌ای مناسب برای این کارگاه و دو روش برای تمرین و به‌کارگیری آموخته‌های دانشجویان ارائه دهند. این طرح براساس دو شیوه مرسوم فرهنگ‌نویسی در بخش فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی و نیز مؤسسه لغت‌نامه دهخدا تنظیم شده است.

بررسی برنامه مصوب کارگاه فرهنگ‌نویسی

۱. نقد سرفصل

برنامه‌ریزان درس‌های دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، هدف از کارگاه

فرهنگ‌نویسی را «ایجاد زمینه مناسب برای استعدادیابی و کشف دانش و مهارت در فرهنگ‌نویسی» دانسته و در شرح و توضیح آن نوشته‌اند:

الف) آشنایی با شیوه‌های مدخل‌نویسی. الف-۱) دایرة‌المعارف‌ها (دانشنامه‌ها)، سوابق دایرة‌المعارف‌نویسی در جهان و جهان اسلام و ایران و معرفی انواع آن و شاخص‌ترینشان. الف-۲) فرهنگ‌های لغوی و اصطلاحی و امثال و شعری و بسامدی و آوایی و دوسویه. الف-۳) سوابق فرهنگ‌نویسی به‌ویژه دوره صفوی و پس از آن. الف-۴) تذکره‌نویسی و اعلام‌نگاری (کمیتة زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۹۱: ۹۵).

از همین آغاز، شاهد خلط سه فن فرهنگ‌نویسی، دایرة‌المعارف‌نگاری و تراجم‌نگاری هستیم. «فرهنگ کتاب مرجعی است حاوی بخشی از واژه‌های یک زبان که به ترتیب معین و برای منظوری معین آرایش می‌یابند. همچنین اطلاعاتی درباره معانی، تلفظ، املا، کاربرد یا هر نوع اطلاع نظام‌مند دیگر به یک زبان یا زبان دیگر داده می‌شود.» (هاشمی‌میناباد، ۱۳۸۶: ۶۰). دایرة‌المعارف کتابی است دربردارنده اطلاعاتی جامع درباره علم، ادب، هنر، ورزش، و مانند آن‌ها که به ترتیب الفبایی مدوّن شده و تراجم هم به شرح حال‌ها و زندگی‌نامه‌ها گفته می‌شود (انوری، ۱۳۸۱: ذیل «دایرة‌المعارف» و «تراجم»). دایرة‌المعارف‌نگاری و تراجم‌نگاری، عمل نگارش دایرة‌المعارف و تراجم است.

بر این اساس، یا باید نام این درس به صورت «کارگاه فرهنگ‌نویسی، دایرة‌المعارف‌نگاری و تراجم‌پژوهی» اصلاح شود و یا درس‌نامه آن صرفاً با توجه به مباحث فرهنگ‌نویسی تدوین گردد. همچنین برخی از منابع پیشنهادی در این برنامه هم به درستی انتخاب نشده است؛ زیرا:

۱. در مقدمه دو فرهنگ برهان قاطع و نیز لغت‌نامه دهخدا مباحث کلی درباره سیر زبان فارسی از پیش از اسلام تا کنون و مسائل آن بیان شده است و هیچ مطلبی درباره روش فرهنگ‌نویسی، دایرة‌المعارف‌نگاری یا تراجم‌پژوهی و اطلاعات کاربردی مبتنی بر روش‌های تألیف این گونه آثار برای فردی که در این راه قدم می‌گذارد، وجود ندارد.

۲. تاریخ تذکره‌های فارسی نیز کتاب ارزشمندی است در معرفی، بررسی و نقد تذکره‌های موجود در زبان فارسی. این اثر فقط می‌تواند با ارائه فهرستی از منابع به فرهنگ‌نویس، او را برای یافتن اطلاعاتی درباره شاعر یا نویسنده موردنظرش یاری دهد.

در نتیجه هر چند می‌تواند در نگارش مدخل‌های اعلام راهگشا باشد، اما برای آموزش روش نگارش آن مناسب نیست.

۳. شاید دقیق‌ترین حدس این باشد که از نظر طراحان این درس، لغت‌نامه دهخدا نمونه فرهنگی موفق است و از آنجا که در این اثر هم اطلاعات دایرةالمعارفی وجود دارد و هم تراجم افراد بسیاری در آن ذکر شده است، پس در کارگاه فرهنگ‌نویسی باید این موارد نیز آموخته شوند. حال آنکه بنابر قواعد امروزی فرهنگ‌نویسی، لغت‌نامه دهخدا فرهنگ - دایرةالمعارف است (هاشمی میناباد، ۱۳۸۶: ۶۱) و در بسیاری موارد کاستی‌های فراوانی نیز دارد که از قضا این کاستی‌ها بیشتر ساختاری و روش‌شناختی هستند (برای تفصیل بیشتر نک: صادقی، ۱۳۸۸: ۲-۳۹).

پیشنهاد می‌شود مدرسان این درس، در درجه اول از منابعی چون مقدمه فرهنگ سخن، مقدمه فرهنگ جامع زبان فارسی، مقدمه فارسی تاجیکی، مقدمه تکملة الاصناف، مجموعه مقالات فرهنگ‌نگاری و نیز مجموعه مقالات نخستین همایش فرهنگ‌نویسی علامه دهخدا - که به بیان اصول نظری فرهنگ‌نویسی علمی پرداخته‌اند - استفاده کنند.

اگر هدف از تعریف این کارگاه آن است که دانشجو در پایان این دوره و هنگام فراغت از تحصیل تا حدی توان فعالیت در مراکز فرهنگ‌نویسی و دایرةالمعارف‌نگاری کشور را داشته باشد، باید گفت متأسفانه دانشجو با توجه به زمان کوتاه نیمسال تحصیلی و درسی با این میزان گستردگی موضوعی، از هریک از این فنون تنها اطلاعاتی سطحی به دست خواهد آورد که در نهایت برای وی چندان نتیجه‌بخش نخواهد بود؛ زیرا دانشجو در این کارگاه باید با سه فن متفاوت - که در ظاهر به نظر می‌رسد اشتراکات فراوانی دارند - آشنا شود و سپس هریک از این سه فن را با انجام تمرین‌ها و پژوهش‌هایی در حد قابل قبول بیاموزد که رسیدن به این هدف در یک نیمسال تحصیلی ناممکن است.

در این مقاله قصد داریم فقط به فن فرهنگ‌نگاری و بایسته‌هایی پردازیم که در تدریس آن باید توجه شود. در نهایت با بررسی همین موضوع به ارائه نتیجه‌ای درباره کارگاه فرهنگ‌نویسی خواهیم پرداخت.

این درس در گروه درس‌های اختیاری قرار دارد و متأسفانه برای گذراندن آن، هیچ درس پیش‌نیازی در نظر گرفته نشده است. در حالی که اگر به مدخلی از یک فرهنگ

نگاهی بیفکنیم، خواهیم دید که نویسندگان یک کتاب لغت نیازمند دایره گسترده‌ای از مهارت‌های زبانی و غیرزبانی هستند. بهتر آن است که کارگاه فرهنگ‌نویسی در نیمسال هشتم دوره کارشناسی ارائه شود؛ زیرا در این زمان علاوه بر آنکه دانشجو دیدی کلی از سیر تطور زبان فارسی دارد، با مرجع‌شناسی و روش تحقیق، بلاغت، دستور زبان و سبک‌شناسی - که مقدمه و پیش‌نیاز فرهنگ‌نویسی هستند - نیز آشنا شده است و توان بهره‌گیری از آموخته‌های خود را ضمن فعالیت خواهد داشت.

۲. نقد منابع پژوهشی

پیش از این گفته شد که منابع اصلی پیشنهادی در شرح سرفصل، چندان راهگشا و آموزنده روش‌های فرهنگ‌نویسی و نیز مدخل‌نگاری علمی در مراکز معتبر علمی نیستند. منابعی که نگارندگان سرفصل کارگاه فرهنگ‌نویسی در کنار منابع اصلی معرفی کرده‌اند، عبارت است از: ذیل فرهنگ‌های فارسی، مقدمه فقه‌اللغه ایرانی، ریشه‌های هندواروپایی زبان فارسی، فرهنگ پسوند در زبان فارسی، لغت‌سازی و وضع لغت و ترجمه اصطلاحات علمی و فنی، واژه‌نامه همایش سراسری دانشنامه‌نویسی در ایران (گذشته، حال و آینده)، فرهنگ آوایی فارسی، تاریخ تذکره‌های فارسی (که منبع اصلی نیز دانسته شده است)، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات داستانی فارسی، فرهنگ واژه‌نمای غزلیات سعدی به انضمام فرهنگ بسامدی. ناگفته پیداست غیر از دو منبع ذیل فرهنگ‌های فارسی و فرهنگ آوایی فارسی - که اطلاعاتی مهم و لازم را برای فرهنگ‌نویسی دربردارند - کتاب‌های دیگر حاوی اطلاعاتی جنبی و نه‌چندان حیاتی در امر فرهنگ‌نویسی هستند. در این میان کتاب‌ها و مجلات بسیار مهم‌تری هستند که قابلیت استفاده به‌مثابه منابع پژوهشی را دارند، منابعی مانند مقالات مجله فرهنگ‌نویسی، کتاب واژه‌های دخیل فارسی در زبان عربی، ویژه‌نامه فرهنگ فرهنگ‌نویسی و مجله آدینه. آثار یادشده منابعی هستند که لغزش‌های فرهنگ‌نگاران را بررسی و برای هر کدام پاسخی ارائه کرده‌اند. مطالعه این آثار سبب ورزیدگی علمی دانشجو و پرهیز از تکرار اشتباهات دیگر پژوهشگران می‌شود.

۳. طرح تنظیم «کارگاه فرهنگ‌نویسی»

آنچه در اینجا به‌عنوان طرح تنظیم کارگاه فرهنگ‌نویسی ارائه می‌شود، صرفاً یک پیشنهاد است و بی‌شک هر مدرسی می‌تواند با توجه به خواننده‌ها و تجربیات پیشین خود و نیز پس از سنجش شاگردان از روش و خلاقیت خویش استفاده کند.

درباره اصول فرهنگ‌نویسی - به‌ویژه بر پایه علم زبان‌شناسی - مقالات و کتاب‌های بسیاری می‌توان نوشت و در هر کدام یک یا چند جنبه از فرهنگ‌نویسی را جای داد؛ اما برای نوشتن یک طرح درسی به‌مثابه مقدمه، باید در نظر داشت که دانشجوی یا کارآموز برای موفقیت در این حیطه نیازمند شَمّ زبانی قوی، تسلط به متون کهن و نو - به فراخور نوع فرهنگ - و درک معنایی بالاست. در هر حال، فراوانی و عمق مطالعه متون، اشراف به معناشناسی و دستور زبان در این راه اهمیت بسیاری دارد. افزون بر این‌ها، تجربه، ممارست و پشتکاری توأم با علاقه در پیشرفت روزافزون بسیار مؤثر است و البته به زمان نیز نیاز دارد. با وجود این، درس و یا کارگاه فرهنگ‌نویسی تنها بخشی از دشواری‌های کار را حل و دانشجوی را با اصول و روش‌هایی کلی آشنا می‌کند و یا دید فرهنگ‌نویسی به او می‌بخشد؛ به گونه‌ای که این دید سبب تأمل دقیق او بر فرهنگ و نگارش آن می‌شود. در این جایگاه به اعتقاد نگارندگان توجه به خردساختار نسبت به کلان‌ساختار اهمیت بیشتری دارد (برای آگاهی از تمایز بین خردساختار و کلان‌ساختار، نک: صادقی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰-۶۵).

همان‌گونه که پیش از این نیز گفته شد، کافی است به مدخلی از فرهنگ‌ها نظری بیفکنیم، آن‌گاه متوجه خواهیم شد که نویسندگان هر کتاب لغت نیازمند چه مهارت‌هایی، اعم از زبانی و غیرزبانی هستند. این امر ایجاب می‌کند که درس فرهنگ‌نویسی پس از گذراندن دروسی باشد که در حکم مقدمه و پیش‌نیاز است. فرد علاقه‌مند به این حوزه باید در برخی دروس پایه توانا باشد؛ برای نمونه از شاخه‌های علم زبان‌شناسی نظیر صرف، نحو، آواشناسی، معناشناسی و به‌ویژه معناشناسی واژگانی آگاه باشد. در گام بعد، داشتن اطلاعات عمومی بسیار مفید است. این ویژگی محتاج اطلاعات کتاب‌شناختی و مرجع‌شناختی انتقادی، به‌ویژه شناخت انواع فرهنگ‌ها و نیز فرهنگ‌های عربی و توانایی استفاده از آن‌هاست؛ زیرا اشراف به فرهنگ‌های پیشین به تعریف دقیق‌تر و کامل‌تر کمک می‌کند. همچنین آشنایی دانشجویان با انواع دانشنامه‌ها ضروری است؛ زیرا فرهنگ‌نگار در تعریف برخی واژه‌ها (برای مثال، واژه «آب») به‌ناچار باید با تعریف علمی آن‌ها از طریق دانشنامه‌ها آشنا شود.

از دیگر نیازها، تسلط به بلاغت در حد درک و دریافت معانی کنایی و مجازی است. مهم‌ترین ابزار برای تعریف‌نگاری، یعنی اساسی‌ترین بخش هر فرهنگ، درک درست متن است. به همین دلیل در فرهنگ‌های تاریخی تسلط به متون کلاسیک اهمیت بسیاری دارد. البته نباید فراموش کرد که شَمّ زبانی عاملی بسیار مهم در تألیف فرهنگ است. پس از سپری کردن دروس پایه در نیمسال‌های نخست و با فرض اینکه دانشجو در

آن‌ها مهارتی نسبی دارد، باید او را با تعریف فرهنگ، انواع، اهداف و مخاطبان آن، تاریخچه فرهنگ‌نویسی و بخش‌های یک فرهنگ نظیر مدخل و زیرمدخل، آوانگاری، هویت دستوری، برچسب، کاربرد، تعریف و شاهد آشنا کرد (برای اطلاعات بیشتر نک: انوری، ۱۳۸۱؛ مقدمه؛ صادقی و دیگران، ۱۳۹۲؛ مقدمه؛ صدری افشار، ۱۳۹۰؛ ۲۲۳-۲۳۰؛ شکوری و دیگران، ۱۳۸۵؛ مقدمه). در زمینه این اصول، کتاب‌ها، مقاله‌ها و مقدمه فرهنگ‌ها دانشجوی را به هدف نزدیک‌تر می‌کند. البته این آموزش‌ها اگر به صورت عملی و فعالانه باشد، به یقین نتایج بهتری در پی دارد (در بخش تمرین عملی نمونه‌هایی را ذکر خواهیم کرد). در این درس بهتر است دانشجوی علاوه بر آشنایی با انواع فرهنگ‌های تخصصی، به تمرین نگارش مدخل برای فرهنگ‌های عمومی^(۲) پردازد و اساس آموزش‌های گام‌به‌گام بر این نوع باشد.

با توجه به اینکه امروزه فرهنگ‌نویسی عمدتاً به روش دستی صورت نمی‌گیرد، آشنایی با پیکره رایانه‌ای و نرم‌افزارهای فرهنگ‌نویسی برای کسانی که قصد ورود به این حرفه را دارند، ضروری است و نوعی مهارت به‌شمار می‌آید.

اکنون طرح پیشنهادی نگارندگان را که با تمرینات عملی و گروهی همراه است، بیان می‌کنیم و در آن از توضیحات مقدماتی نیز بهره می‌بریم:

• کتاب‌شناسی در این فن همچون دیگر علوم و فنون اهمیت دارد. این آگاهی دست‌کم از دو جهت مهم است؛ نخست اینکه مؤلف فرهنگ در تألیف و به‌ویژه بخش تعریف‌نگاری نیازمند اطلاعات زبانی و فرازبانی است. هر قدر دایره مطالعات وی گسترده‌تر باشد، به طبع توفیق بیشتری می‌یابد. او باید بداند که برای تألیف به چه منابعی نیاز دارد و یا احتمال دهد که اطلاعات موردنظر خویش را از کجا می‌تواند به‌دست آورد. دوم اینکه او محتاج شناخت انواع کتاب‌های مرجع به‌طور عام و فرهنگ‌ها به‌طور خاص است. آشنایی با انواع دانشنامه‌ها، فرهنگ‌نامه‌ها و فرهنگ‌ها^(۳) به دانشجوی کمک می‌کند که در آن درس به قیاس این کتاب‌ها و نحوه تعریف‌ها و ارائه اطلاعات پردازد. درباره فرهنگ‌ها باید به شناختی جامع از انواع آن برسد. با توجه به این توضیحات اگر شناخت کتاب‌ها و به‌ویژه فرهنگ‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها با مراجعه گروهی به کتابخانه، تورق، تأمل بر کتاب‌ها و نقد آن‌ها باشد، قطعاً مفیدتر است.

• امروزه مقالاتی درباره اصول فرهنگ‌نویسی و به‌ویژه تعریف آن نوشته می‌شود. همچنین کتاب‌هایی به زبان‌های دیگر موجود است.^(۴) یکی از کارهای مفیدی که استاد این درس می‌تواند انجام دهد، این است که مقالات و یا بخش‌هایی از چنین کتاب‌هایی را

انتخاب و دانشجو را در همان آغاز کلاس به خواندن این مجموعه تشویق کند. بر این موارد می‌توان مقدمه‌های فرهنگ‌ها را نیز افزود. دانشجویان می‌توانند بخش‌هایی از این نوع نوشته‌ها را در کلاس بخوانند، درباره آن گفت‌وگو کنند و همچنین نظرات خویش را بیان نمایند.

• با توجه به اهمیت دستور زبان در شروع این کلاس، مدرس می‌تواند جملات و بندهایی از چند کتاب انتخاب کند و از دانشجویان بخواهد نقش کلمات را در جمله تشخیص یا الگوی تصریفی کلمات را نشان دهند (درباره اهمیت دستور در فرهنگ‌نویسی نک: صدری افشار، ۱۳۹۰: ۲۲۷). این تمرین تنها برای آمادگی بیشتر کارآموزان است و پیش‌فرض ما این است که ایشان از این نظر توانا هستند.

• هر فرهنگ بیشتر صورت‌های املائی، گونه‌های آوایی، نقش دستوری، تعریف و کاربرد واژگان را نشان می‌دهد و برای روشن کردن کاربرد و معنا از شاهد و مثال بهره می‌گیرد. از تکالیف مفید این است که دانشجویان چند فرهنگ را انتخاب و سپس توصیف کنند. آن‌گاه برای توجه و درنگ بیشتر هر فرهنگ را در تمام این معیارها با هم مقایسه کنند، و در نتیجه از نقاط ضعف و قوت هر یک آگاه شوند.

• قیاس مفید دیگر درباره هر مدخل است؛ یعنی یک واژه در چند فرهنگ دیده شود و به این نتیجه برسند که هر فرهنگ در کدام زمینه قوی‌تر یا ضعیف‌تر است. یا شیوه تعریف در هر یک از آنان توصیف و سنجیده شود. همچنین با انتخاب چند مدخل از هویت‌های دستوری متفاوت و قیاس فرهنگ‌ها در این زمینه به این نتیجه برسند که برای هر کدام چه تعریفی مناسب‌تر است. در این زمینه می‌توان از تعریف‌های فرهنگ‌های لاتین نیز سود جست، به‌ویژه فرهنگ‌هایی که برای زبان‌آموزان خارجی (Learner's dictionary, Dictionary for foreign-language learners) نوشته شده‌است؛ زیرا در این نوع فرهنگ‌ها تأکید بر استفاده از واژه‌ها و ساختارهای ساده است و مؤلفان آن‌ها توضیحاتی روشن ارائه می‌دهند.

• این حقیقت را نباید از یاد برد که فرهنگ‌نویس به هیچ روی ملزم نیست تمامی محتوای بخش واژگان را به‌طور یکجا در فرهنگ خود بگنجانند. وانگهی انجام چنین کاری در مقام عمل میسر نیست، حتی اگر از نظر تئوری ممکن باشد. از این‌رو، فرهنگ‌نویس همیشه به ناگزیر دست به اختیار و گزینش می‌زند، حتی آن‌گاه که سرگرم تهیه فرهنگ عمومی است (حق‌شناس، ۱۳۹۰: ۳۱۴). با توجه به انواع متفاوت فرهنگ، برای آموزش دانشجو بهتر است بنا بر فرهنگ عمومی معاصر گذاشته شود؛ یعنی پس از گذشتن از

مراحل پیش‌نیاز، به هر گروه یک واژه در نقش‌های دستوری متفاوت داد. حتی هر یک از افراد گروه می‌توانند به فراخور آگاهی‌ها و مهارت‌های خویش به تعریف آن پردازند و از میان چند تعریف، بهترین را انتخاب و یا تعریف‌ها را در هم ادغام کنند. هاشمی میناباد (۱۳۸۶: ۶۹) در مقاله‌ای با عنوان «طرح فرهنگ‌نویسی دانش‌آموزان» در همین باره می‌نویسد: «پس از اینکه هر یک از دانش‌آموزان تعریف خود را نوشتند، آموزگار باید آن‌ها را سر کلاس بررسی کند و در مورد بهترین راه تعریف کردن اسم‌ها، فعل‌ها، صفت‌ها و ... به نتیجه و نظر واحدی برسد». بسیار مفید خواهد بود که این طرح در کشور ما نیز از سال‌های دبستان و متناسب با توانایی کودکان آغاز شود و در دوران دانشجویی به پیشرفته‌ترین سطح خود برسد.

• پس از اینکه دانشجویان به خوبی از عهده‌واژگان معاصر برآمدند، اکنون می‌توان به سراغ واژه‌هایی رفت که از گذشته - برای مثال قرون چهارم و پنجم - تا به امروز در زبان حیات داشته‌اند و در طول زمان دچار تحول معنایی شده‌اند. این امر آنان را به خواندن متون کلاسیک، فرهنگ‌های قدیمی و استخراج شواهد سوق می‌دهد و آن‌گاه دانشجویان براساس شواهد به تفکیک معنایی دست می‌زنند و سپس به تعریف دقیق اصولی می‌پردازند.

• در همین زمان دانشجویان را از اهمیت شاهد و اصول انتخاب آن آگاه کنیم. حتی با وجود شواهد مناسب از آنان بخواهیم که بر پایه شمّ زبانی خویش و اطرافیان از مثال هم در کار خویش بهره برند.

• همان‌گونه که شاهد معنی را بهتر به ذهن خواننده می‌رساند، تصاویر در انتقال درست‌تر و سریع‌تر معنا بسیار مؤثر است. اهمیت تصویر به دلایل آموزشی، ذهنی و روانی برای فرهنگ‌های کودکان بیشتر اهمیت دارد؛ به همین سبب در فرهنگ‌ها و دانشنامه‌ها از تصویر نیز بهره گرفته می‌شود. این نوع فرهنگ‌ها، فرهنگ تصویری نام دارد که یک نمونه خوب آن در زبان انگلیسی فرهنگ تصویری وبستر (*Merriam-Webster's Visual Dictionary*) (Merriam-Webster, 2006) است. تصاویر ابزار، اشیاء و به طور کلی محسوسات در این فرهنگ‌ها اساس قرار می‌گیرد و پس از تفکیک و طبقه‌بندی موضوعی، توضیحاتی ظریف به آن‌ها افزوده می‌شود. بنابراین این نوع آثار در تعریف دقیق محسوسات راهگشای مؤلفان فرهنگ‌های فارسی نیز هست.

• با توجه به تنوع مخاطبان انواع فرهنگ‌ها، در پایان می‌توان از دانشجویان خواست که تعریف‌ها را به تناسب مخاطبان و شرایط سنی‌شان تغییر دهند. در آخر باید به این نکته اشاره کرد که تدوین درس‌نامه به تسهیل آموزش، افزایش

نظم و مدیریت بهتر کلاس کمک می‌کند؛ البته این درس‌نامه می‌تواند بر پایه طرح پیشنهادی باشد. اکنون به‌طور مستقل درباره طرح تألیف کتاب سخن می‌گوییم.

تدوین درس‌نامه

چنان‌که گفتیم با تعیین هدف و برنامه تدریس تا حدی می‌توان فصل‌های کتاب را طراحی کرد. این مقدمه را باز یادآور می‌شویم که کتاب‌های مرجع بسیاری پیش روی ماست که فرهنگ‌ها بخشی از آن است و فرهنگ نیز گونه‌های متعددی دارد که درباره هریک می‌توان کتب و مقالاتی نگاشت. برای این درس‌نامه پس از معرفی انواع کتاب‌های مرجع دارای مدخل و نیز گونه‌های فرهنگ، بنا را بر فرهنگ فارسی به فارسی عمومی می‌گذاریم. بنابراین طرح کتاب چنین است:

فصل اول: پس از معرفی کوتاه دانشنامه، دایرةالمعارف، فرهنگ‌نامه و اصطلاح‌نامه، به معرفی فرهنگ لغت و انواع آن از نظر مخاطبان، اهداف، دوره زمانی و جز آن پرداخته می‌شود. فرهنگ‌ها نخست به یک‌زبانه و چندزبانه تقسیم می‌شوند؛ دسته نخست به دو بخش در زمانی و هم‌زمانی، و فرهنگ‌های در زمانی به ریشه‌شناختی و تاریخی و فرهنگ‌های هم‌زمانی به عمومی و محدود تقسیم می‌شوند. فرهنگ ریشه‌شناختی نیز عمومی یا محدود، و فرهنگ عمومی هم‌زمانی جامع یا معمول است (Swanepoel, 2003: 46).

فصل دوم: تاریخچه فرهنگ‌نویسی در ایران و یا به‌طور کلی جهان اسلام و بررسی فرهنگ‌های یک‌زبانه و دوزبانه معرفی می‌شوند.

فصل سوم: تأمل بر اجزاء هر فرهنگ. در این فصل باید نخست به این پرسش پاسخ داد که مدخل اصلی و مدخل فرعی (زیرمدخل) چیست؟ آن‌گاه به توضیح بخش‌هایی مثل آوانگاری، ریشه‌شناسی، هویت دستوری، برچسب‌های بلاغی، کاربرد و تخصصی و نیز تعریف پردازیم و از اهمیت شاهد و مثال سخن گوئیم. جکسون در فصل اول و دوم کتاب خویش به نام *Lexicography, An introduction* (Jackson, 2003) نخست تعریفی از واژه، انواع و تقسیم‌بندی‌های آن ارائه می‌دهد. نگاهی به فصول این کتاب در تألیف یک درس‌نامه می‌تواند تاحدی راهنما و راهگشا باشد.

فصل چهارم: بهتر است فصل چهارم و پنجم به توضیح مفصل‌تر اجزاء فرهنگ پردازد؛ برای این منظور در این فصل درباره موارد پیش گفته، به استثنای تعریف، بحث می‌شود؛ برای مثال آوانگاری به چه صورت‌هایی می‌تواند باشد و کدام یک مناسب‌تر است؟ شاهد باید از چه ویژگی‌هایی برخوردار باشد؟ در چه مواردی از مثال بهره می‌بریم؟

فصل پنجم: به دلیل اهمیت تعریف در تمام این بخش به روش‌ها و انواع تعریف توجه می‌کنیم. از مسائل مهم در این جایگاه آن است که برای هر مقوله دستوری چه نوع تعریفی بهتر است؟ یا اینکه در تکمیل تعریف می‌توان از کدام روابط معنایی بهره برد، روابطی نظیر ترادف و تضاد. در این بخش به برخی مسائل مرتبط با معناشناسی باید توجه کرد.

فصل ششم: در این فصل برای جمع‌بندی می‌توان درباره روش چند فرهنگ معتبر یا مراکز فرهنگ‌نگاری توضیح داد و نقاط قوت و ضعف آن‌ها را برشمرد.

نکته: روشن است که نویسنده مدخل در نگارش خویش از منابع دیگری بهره می‌برد، لیکن بایسته است به دلیل نیاز به رعایت اختصار، نویسنده در پایان هر فصل منابع مناسبی را برای مطالعه بیشتر معرفی کند. همچنین بسیار مفید خواهد بود تمرین‌هایی مناسب همان فصل به دانشجو داده شود. مبنای بیشتر این‌ها می‌تواند مقایسه باشد؛ برای مثال در فصل اول از دانشجو بخواهیم تعریف مدخلی مانند آب یا هوا را در فرهنگ لغت و دایرةالمعارف، و یا تعریف یک صورت فلکی را در فرهنگ عمومی و فرهنگ تخصصی نجوم مقایسه کند.

نمونه‌هایی از تمرین‌های کلاسی و جنبی «کارگاه فرهنگ‌نویسی»

امروزه دو مرکز مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و بخش فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، از مهم‌ترین متولیان و فعالان عرصه فرهنگ‌نویسی فارسی هستند. مؤسسه لغت‌نامه دهخدا در حال تدوین لغت‌نامه بزرگ فارسی و بخش فرهنگ‌نویسی فرهنگستان نیز در حال تدوین فرهنگ جامع زبان فارسی است. هریک از این دو مرکز روشی جداگانه در تألیف دارند. بهتر است پس از آموزش مسائل نظری و نیز انجام تمرین‌های ذکرشده، این دو روش در قالب فعالیت‌های گروهی به دانشجو آموزش داده شود:

۱. مؤسسه لغت‌نامه دهخدا

در این مؤسسه برای تدوین هر مدخل ابتدا تمامی اطلاعات موجود درباره واژه موردنظر از لغت‌نامه دهخدا استخراج و پس از مراجعه به فرهنگ‌های فارسی و عربی - فارسی، اطلاعات به دست آمده دسته‌بندی می‌شوند. پس از استخراج اطلاعات، مؤلف یا کمک‌مؤلف تمامی شواهد موجود در پیکره را از رایانه استخراج می‌کند، در فیش‌های یکسان می‌نویسد و با نسخه چاپی کتاب‌ها مقابله و آدرس‌نویسی می‌کند. برای بسیاری از مدخل‌ها از قبل فیش‌هایی نوشته شده است که مؤلف تنها به اضافه کردن شاهد برای معانی

کم‌شاهد با استفاده از فهرست‌ها و نرم‌افزارها اقدام می‌کند. وی پس از مقابله فیش‌ها، شاهد‌ها را تفکیک معنایی و فیش‌های هر کدام از تفکیک‌های معنایی را به ترتیب تاریخ مرتب می‌کند. پس از این مرحله، تمامی ترکیب‌ها، کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌هایی را که واژه مدخل در آن‌ها به کار رفته است، با ارجاع به شماره تفکیک معنایی به ترتیب قرار می‌دهد. پس از انجام کارهای مقدماتی، هویت دستوری را در اولین فیش سفیدی که حاوی اطلاعات دستوری و آوایی و ارجاعی مدخل است، می‌نویسد (اگر واژه مدخل، اسم یا صفت باشد، یعنی در تفکیک‌ها بیش از یک هویت دستوری داشته باشد، پیش از تعریف هویت دستوری آورده می‌شود). آوانگاری نیز در اولین فیش سفید، با حرکت‌گذاری حروف فارسی پس از واژه مدخل و میان دو خط مورب ذکر می‌شود. پس از آوانگاری، تعریف در قالب جمله‌ای کوتاه بدون ابهام و جامع و مانع آورده می‌شود. پس از آنکه یک واژه طی مراحل ذکر شده تدوین نهایی شد، در جلسه هیئت مؤلفان تمامی اطلاعات و شاهد‌های به دست آمده خواننده و تفکیک‌های معنایی و تعریف‌نگاری‌ها بررسی می‌شوند.

برای تمرین این روش، بهتر است دانشجویان کلاس به گروه‌های چند نفره تقسیم شوند و هر یک از افراد گروه وظیفه تدوین یک مدخل را به عهده بگیرد؛ همچنین اطلاعات مورد نیاز خود را از فرهنگ‌های سخن، فرهنگ عامیانه، فرهنگ کوچک، فرهنگ جهانگیری، برهان قاطع، فرهنگ جامع ضرب‌المثل‌های فارسی، امثال و حکم و چند فرهنگ عربی - فارسی به دست آورد و از ده متن منتخب از متون درجه اول فارسی - پنج متن نظم و پنج متن نثر - شواهد مربوط به مدخل خود را استخراج کند. دانشجو باید پس از مقابله شواهد با متن کتاب، نوشتن آدرس و سپس تفکیک معنایی، ترکیب‌ها و ضرب‌المثل‌ها را نیز استخراج کند و به تفکیک معنایی مرتبط ارجاع دهد و آن‌گاه در اولین فیش سفید خود پس از نوشتن واژه مدخل، اطلاعات آوایی، بلاغی، ریشه‌شناختی، دستوری و ارجاعی را ذکر کند؛ نیز با توجه به مجموع شواهد به دست آمده «مدخل خود را تعریف کند».

زمانی که هر یک از افراد گروه، «مدخل» تمرینی خود را تدوین کرد، افراد گروه در یک یا چند جلسه به بررسی مدخل‌های یک نفر پردازند و مؤلف شواهد هر یک از تفکیک‌های معنایی را بخوانند. پس از نهایی کردن هر یک از مدخل‌ها در جلسه گروه، مدرس با بررسی مدخل‌ها، کاستی‌های آن‌ها را به دانشجو گوشزد کند.

بهتر است مجموعه مدخل‌های مشخص شده، در بردارنده انواع مختلف هویت دستوری باشند تا دانشجو شیوه برخورد با هویت‌های مختلف دستوری را تجربه کند.

۲. بخش فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی

فرهنگ‌نویسی در این مرکز، خلاف مؤسسه لغت‌نامه دهخدا که بیش از نیمی از روند تألیف در آن به شکل دستی و سنتی است، با نرم‌افزار انجام می‌شود. تفاوت دیگر روش بخش فرهنگ‌نویسی فرهنگستان با روش مؤسسه لغت‌نامه دهخدا در این است که واژگان سپرده‌شده به هریک از مؤلفان لغت‌نامه فارسی به ترتیب الفبا هستند؛ اما بخش فرهنگ‌نویسی فرهنگستان هریک از خوشه‌های واژگانی^(۵) را به یکی از مؤلفان/تعریف‌نگاران می‌سپارد. مؤلف پس از جست‌وجو در پیکره رایانه‌ای، در محیط نرم‌افزار به ثبت تفکیک معنایی، تعیین هویت دستوری، آوانگاری با حروف آوانگار لاتین براساس تلفظ امروز و نیز ذکر شاهد‌های متناسب با هریک از تفکیک‌ها، ارجاع‌های متقابل، اطلاعات ریشه‌شناختی، بلاغی، ذکر برجسب مدخل و نیز اطلاعات تکمیلی و اضافی می‌پردازد. در فرهنگ جامع برای هر قرن یک شاهد و از سال ۱۳۰۰ به بعد تقریباً برای هر بیست سال یک شاهد آورده می‌شود. در بخش فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی پس از آنکه مؤلف اطلاعات لازم را برای هر مدخل استخراج و تألیف آن را نهایی کرد، مدخل به ویراستاران علمی ارجاع داده می‌شود. پس از بررسی ویراستاران و ویرایش مجدد مؤلف، مدخل نهایی به ویراستار ارشد برای تأیید نهایی ارجاع داده می‌شود. کار پس از تأیید ویراستار ارشد آماده چاپ است.

برای تمرین این روش دانشجویان باید به گروه‌های چندنفره تقسیم شوند و هریک از افراد گروه وظیفه تدوین یک خوشه واژگانی را به‌عهده گیرند. از آنجا که در کلاس امکان استفاده از نرم‌افزار فرهنگ‌نویسی فرهنگستان وجود ندارد، دانشجویان می‌توانند صورت نهایی تمرین خود را در محیط word انجام دهند. دانشجو پس از به‌دست آوردن اطلاعات، جمع‌آوری شواهد و تفکیک معنایی شروع به حروف‌چینی واژه مدخل، اطلاعات آوایی، بلاغی، ریشه‌شناختی، دستوری، تعریف‌ها، ذکر شواهد و ارجاعات کند. تعریف‌نگار ضمن توجه به ساختار دستوری هریک از واژگان خوشه باید شباهت‌های بین اعضای هر خوشه را نیز در نظر بگیرد.

پس از آنکه دانشجو خوشه واژگانی خود را تألیف کرد، باید صورت تدوین‌شده آن را به سایر اعضای گروه، به‌عنوان ویراستاران علمی فرهنگ، تحویل دهد تا هر کدام از افراد جداگانه نتیجه کار وی را بررسی کنند. اگر لازم بود در صورت تألیفی کار مؤلف تجدیدنظر شود، با ذکر موارد ناقص یا اشتباه واژه‌ها را به مؤلف برگردانند. پس از انجام اصلاحات از سوی مؤلف و سپس ویراستاران علمی، واژگان تألیفی به ویراستار ارشد

(مدرس) ارجاع داده می‌شود. اگر از نظر ویراستار ارشد اعمال اصلاحات در هر یک از بخش‌های مدخل ضرورت داشت، مؤلف پس از انجام اصلاحات، مدخل را به ویراستار ارشد برای تأیید نهایی تحویل می‌دهد.

نتیجه‌گیری

تألیف فرهنگ از نیازهای ضروری جوامع است و باید کسانی این امر مهم را انجام دهند که به‌طور هدف‌مند و جدی، فرهنگ‌نویسی را آموخته باشند. مسلماً چنین مهارتی در حوزه زبان فارسی مرتبط با رشته زبان و ادبیات فارسی است؛ پس این فن باید در قالب یک و یا حتی چند نیمسال تحصیلی به دانشجویان این رشته آموزش داده شود تا افزون‌بر کاربردی کردن آموخته‌هایشان، نیاز جامعه را در این زمینه برطرف سازد.

به‌تازگی وزارت علوم و فناوری برنامه درسی دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را بازبینی و در آن تغییرات درخور توجهی اعمال کرده است. از جمله دروس اختیاری در نظر گرفته شده برای این دوره، کارگاه فرهنگ‌نویسی است. متأسفانه در سرفصل‌ها و منابع معرفی شده برای این درس، ایرادات فراوانی راه یافته است که نگارندگان در این مقاله به بررسی و نقد آن پرداخته‌اند. با این حال، تصویب چنین درسی و درک ضرورت آن آینده‌ای بهتر را برای کاربردی‌شدن رشته زبان و ادبیات فارسی و همچنین اعتلای فن فرهنگ‌نویسی نوید می‌دهد.

پس از درک این ضرورت و تصویب چنین درسی، محتاج تدوین و طراحی برنامه‌ای برای آن هستیم. با توجه به گستردگی این گرایش و فرصت محدود دانشگاهی، بهتر است این درس در نیمسال‌های پایانی و پس از گذراندن دروس مرجع‌شناسی، متون فارسی، دستور و بلاغت ارائه شود. در نتیجه دانشجویان علاقه‌مند به این فن - که متن‌خوان هستند و ترجیحاً شمّ زبانی قوی و به فرض اینکه بر دانش‌های پیش‌نیاز تسلطی نسبی دارند - با منابع، اصول، روش‌ها و مفاهیم این حوزه آشنا می‌شوند و مدرس از تمرینات عملی برای آماده‌سازی بیشتر آنان بهره می‌گیرد.

از آنجا که فرهنگ‌ها معمولاً به‌شکل گروهی تألیف می‌شود، پیشنهاد ما این است که دانشجویان هر کلاس به‌طور گروهی وارد تمرین شوند تا هم با مهارت کار جمعی آشنا شوند و هم به کمک دیگران در این راه بهتر پیش روند و به لغزش‌های خویش آگاه‌تر شوند. در این شرایط مدرس می‌تواند علاوه بر خلاقیت خویش، بخش عملی کلاس را با استفاده از روش‌های مؤسسات فرهنگ‌نویسی همچون مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و یا گروه

فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی پیش برد؛ در این صورت جذب دانشجویان به این مراکز نیز راحت‌تر انجام می‌پذیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. البته تعدادی از مقالات مندرج در مقدمه برهان قاطع (تبریزی، ۱۳۶۱)، از مقدمه لغت‌نامه دهخدا (دهخدا و دیگران، ۱۳۷۷) نقل شده‌اند.
۲. فرهنگ لغت عمومی (General Dictionary) یک فرهنگ زبانی با هدف ارائه توصیف لغوی از واژگان عمومی است (Burkhanov, 1998: 89).
۳. عنوان فرهنگ بیشتر به فرهنگ‌های عمومی (مانند: فرهنگ فارسی معین و فرهنگ عمید) گفته می‌شود، اما «فرهنگ‌نامه» تخصصی‌تر است (مثل: فرهنگ‌نامه شعری و فرهنگ‌نامه اصطلاحات موسیقی).
۴. از جمله کتاب‌های نوشته شده درباره فرهنگ‌نویسی در زبان انگلیسی که با زبانی ساده و کاربردی به آموزش مسائل مهم فرهنگ‌نویسی می‌پردازند، عبارت‌اند از:
Lexicography, A Dictionary of Basic Terminology (Burkhanov, 1998), *Dictionary of Lexicography* (Hartmann, & James, 2002) & *Lexicography, An introduction* (Jackson, 2003).
۵. «برخی از واحدهای واژگانی با یکدیگر به دلایلی چند ارتباط دارند. این ارتباط ممکن است به دلیل اشتقاق از یک بن فعل (یا به صورت عام‌تر کلمه) واحد، حوزه معنایی مشترک، یا قرار گرفتن در یک مجموعه واحد باشد. واحدهای واژگانی‌ای که در اطراف این حلقه ارتباطی گرد آمده‌اند، در اصطلاح ما تشکیل یک خوشه واژگانی می‌دهند» (فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، بی‌تا: ۸۷). یکی از مهم‌ترین زیرمجموعه‌های خوشه واژگانی حوزه معنایی (Semantic field) است. حوزه معنایی از مصطلحات علم معنی‌شناسی است و در فرهنگ‌های تخصصی انگلیسی مرادف حوزه واژگانی Lexical set و Lexical field به کار رفته و در فرهنگ تخصصی *Dictionary of Lexicography* (Hartmann & Gregory, 2002: 124) چنین تعریف شده است: مجموعه‌ای از واژگان با معانی مرتبط که یک شبکه یا الگوی مفهومی را تشکیل می‌دهند. جان سعید (Saeed, 2009: 63) حوزه واژگانی را یک اصل مهم سازمان‌یافته در کتاب لغت می‌داند که به گروهی از واژگان یک فعالیت خاص یا حوزه‌ای از معلومات یک متخصص تعلق دارد؛ مانند اصطلاحات آشپزی یا دریاوردی، و یا واژگانی که پزشکان، کارگران معدن زغال سنگ و کوهنوردان به کار می‌برند.

منابع

- انوری، حسن و دیگران (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
بختیاری، آرمان (۱۳۸۰). «فرهنگ‌نگاری در ایران باستان»، نامه ایران باستان، س ۱، ش ۱، ص ۳۱-۱۷.

- تبریزی، محمدحسین بن خلف (۱۳۶۱). *برهان قاطع*، تصحیح و تحشیه محمد معین، تهران: امیرکبیر.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.
- حق شناس، علی محمد (۱۳۹۰). «یک اصل ساده فرهنگ‌نویسی»، *مقالات ادبی - زبان‌شناختی*، چ دوم، تهران: نیلوفر.
- خطیبی، ابوالفضل (۱۳۸۶). «فرهنگ جامع زبان فارسی، پیکره در فرهنگ‌نویسی فارسی و پیکره زبانی رایانه‌ای»، *مجله فرهنگ‌نویسی*، ش ۱، ص ۴-۶۷.
- دهخدا، علی اکبر و دیگران (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*، چ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شکوری، محمدجان و دیگران (۱۳۸۵). *فرهنگ فارسی تاجیکی*، برگردان از خط سیریلیک: محسن شجاعی، تهران: فرهنگ معاصر.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۸۸). «شیوه‌های فرهنگ‌نویسی در لغت‌نامه دهخدا»، *مجله فرهنگ‌نویسی*، ش ۲، ص ۲-۳۹.
- صادقی، علی اشرف و دیگران (۱۳۹۲). *فرهنگ جامع زبان فارسی*، ج ۱، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- صدری افشار، غلامحسین (۱۳۹۰). «ملاحظات درباره فرهنگ‌نویسی»، *مجموعه مقالات نخستین همایش فرهنگ‌نویسی علامه دهخدا*، ص ۲۳۰-۲۲۳، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (بی‌تا). *شیوه‌نامه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی*، تهران.
- قطره، فریبا (۱۳۸۶). «نقش زبان‌شناسی در فرهنگ‌نویسی امروز»، *مجله فرهنگ‌نویسی*، ش ۱، ص ۶۸-۹۴.
- کمیته زبان و ادبیات فارسی (۱۳۹۱). *برنامه درسی دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی*، وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- هاشمی میناباد، حسن (۱۳۸۶). *مجموعه مقالات فرهنگ‌نگاری*، دفتر دوم، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی و نشر آثار.
- Burkhanov, Igor (1998). *Lexicography, A Dictionary of Basic Terminology*, Rzeszow: wyzsza szkola pedagogiczna.
- Hartmann, R.R.K. & James, Gregory (2002). *Dictionary of Lexicography*, USA & Canada: Routledg.
- Jackson, howard (2003). *Lexicography, An introduction*, USA & Canada: Routledg.
- Merriam-Webster (2006). *Merriam-Webster's Visual Dictionary*, USA: Merriam-Webster.
- Saeed, John I. (2009). *Semantics*, 3rd ed, Singapore: wiley.
- Swanepoel, Piet (2003). *Dictionary typologies: A pragmatic approach, from A Practical Guide to Lexicography*, Edited by Piet van Sterkenburg, Leiden: John Benjamins.